

LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 15 (54), 2025 https://sanad.iau.ir/journal/lyriclit ISSN: 2717-0896 Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1208176
----------	---

Research Article

Received: 30 January 2025

Revised: 2 March 2025

Accepted: 13 March 2025

Online Publication: 21 March 2025

A Comparative Study of Sugar in Sahifa Al-Sajjadih and Bustan Al-Saadi

Amin Mirzaei Sheshjavani

Researcher and Literary Olympiad Medalist

E-Mail: aminme2023@gmail.com

Abstract

Gratitude means being grateful and praising God and every good person in all kinds of ways. Gratitude is one of the beautiful manifestations of servitude and morality that is praised by all nations with different beliefs. Special attention has been paid to this issue in the Holy Quran, the supplications and hadiths of the Infallible (AS), and works of Persian poetry and prose. In the Sahifeh al-Sajjadiyah, in a religious and mystical context, in several supplications, including supplication 15 and supplication 23, and especially supplication 37 (a prayer in confessing one's guilt in giving thanks), the issue of gratitude is raised. Saadi al-Shirazi also addressed this issue in his Bustan and Golestan, especially in the eighth chapter of the Bustan (in gratitude for well-being). In this article, after getting acquainted with the thoughts of Imam Sajjad (AS) and the poetry of Saadi Shirazi on the subject of gratitude, the author has compared and contrasted the views of Imam Sajjad (AS) and Saadi, introduced the similarities and differences, dimensions and angles of expressing gratitude in these two contexts, and examined them based on their epistemological themes. The result is that Saadi's thoughts are derived from Islamic teachings and do not contradict the views of Imam Sajjad (AS), but he has paid less attention to some profound points such as rewarding the grateful and the good-doers, accepting a little worship from servants, forgiving servants out of kindness and not because they deserve it, some divine attributes such as forgiveness, excellence, kindness, giving opportunity to servants, especially sinners, and giving eternal reward for a short and worldly act.

Keywords: Gratitude, Imam Sajjad (AS), Sa'di, Sahifeh al-Sajjadih, Golestan, Boostan, The Collection Poem of Sa'di.

Citation: Mirzaei Sheshjavani, A. (2025). A Comparative Study of Sugar in Sahifa Al-Sajjadih and Bustan Al-Saadi. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 15 (54), 36-55. Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1208176

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – accses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. **Publisher: Islamic Azad University of Najafabad.**



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱/۱

مطالعه تطبیقی شکر در صحیفه سجاده و بوستان سعدی

امین میرزایی ششجوانی

دانش پژوه و دارنده مدال المپیاد ادبی (نویسنده مسئول)

aminme2023@gmail.com

چکیده

شکر به معنای سپاس داشتن و ثنای نیکو گفتن خدا و هر انسان نیکوکار در انواع و اقسام شکر، یکی از جلوه‌های زیبایی بندگی و اخلاقی است که نزد تمام ملل با عقاید گوناگون، ستوده است. در قرآن کریم و ادعیه و احادیث معصومین (ع) و آثار نظم و نثر فارسی، به این موضوع توجه ویژه شده است. در صحیفه سجاده، در بستری دینی و عرفانی در چندین دعا از جمله دعای ۱۵ و دعای ۲۳ و به ویژه دعای ۳۷ (نیایش در اقرار به تقصیر از ادای شکر) موضوع شکر مطرح شده است. سعدی شیرازی نیز در بوستان و گلستان به خصوص در باب هشتم بوستان (در شکر بر عافیت) به طور ویژه به این موضوع پرداخته است. نگارنده در این نوشتار، پس از آشنایی با اندیشه‌های امام سجاده (ع) و شعر سعدی شیرازی در باب شکر، به مقایسه و تطبیق نظرات امام سجاده (ع) و سعدی پرداخته و وجوه تشابه و تفاوت و ابعاد و زوایای پرداختن به شکر را در این دو بستر معرفی و با تکیه بر مضامین معرفتی آنها بررسی کرده است. نتیجه اینکه اندیشه‌های سعدی برگرفته از آموزه‌های اسلامی است و مغایرتی با دیدگاه امام سجاده (ع) ندارد، ولی به برخی نکات عمیق مانند پاداش به سپاسگزاران و نیکوکاران، پذیرش اندک عبادت بندگان، آمرزش بندگان از روی لطف نه از آن جهت که ایشان مستحق‌اند، برخی صفات الهی مانند عفو، افضال، احسان، فرصت دادن به بندگان خصوصاً گنه‌کاران، پاداش جاودان دادن به یک عمل کوتاه و دنیوی کمتر توجه کرده است.

کلیدواژه‌ها: شکر، نعمت، احسان، امام سجاده (ع)، سعدی، صحیفه سجاده، گلستان.

نحوه ارجاع به مقاله:

میرزایی ششجوانی، امین (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی شکر در صحیفه سجاده و بوستان سعدی. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی. ۱۵ (۵۴)، ۳۶-۵۵.

Doi: 10.71594/lyriclit.2025.1208176

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

Publisher: Islamic Azad University of Najafabad.



۱. مقدمه

یکی از موضوعاتی که هم در مسائل دینی و هم ادبیات عرفانی مورد توجه بسیار قرار گرفته است، موضوع شکر است. شکر، سپاس داشتن و ثنای نیکو گفتن خدا و هر محسن را بر احسان و نیز به معنی کشف و آشکار کردن چیزی است. شکر سه ساحت دارد: قلب، زبان و ارکان. شکر در تمامی اعتقادات ملل یکی از صفات پسندیده است که در زیبایی و تأثیر عمیق آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان هیچ شکی وجود ندارد. آدمیان بالطبع از اینکه از دیگران تشکر کنند یا از آنان تشکر شود، بسیار خرسند می‌شوند و آرامش می‌گیرند.

پرسش این است که شکرگزاری در نگاه اهل بیت و در این نوشتار به‌طور ویژه در کلام امام سجاد (ع) و سعدی شیرازی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟ سجاد (ع) چگونه شکر خداوندی را به‌جای می‌آورند و غیر معصوم چگونه؟ به دلیل گستردگی موضوع شکر در اندیشه‌های اهل بیت (ع) و نیز نظم و نثر فارسی، دعای ۳۷ از صحیفه سجاده (نیایش در اقرار به تقصیر از ادای شکر) و شعر سعدی (باب هشتم بوستان شکر بر عافیت) مقایسه شده است. تأثیر پذیرفتن سعدی از قرآن که مورد توجه امام سجاد (ع) نیز است، یکی از موضوعاتی است که نقاط اشتراک اندیشه‌های حضرت سجاد(ع) و سعدی شیرازی را زیباتر و دل‌نشین‌تر جلوه می‌دهد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت و جایگاه شکر و سپاس‌گزاری در آیات و روایات و نیز برخی متون عرفانی نظم و نثر فارسی، این مفهوم یکی از اصول مسلم اخلاقی اسلامی در نظر گرفته شده است، به‌گونه‌ای که در بیشتر کتبی که رویکرد اخلاقی دارند، مانند محبّه البیضای فیض کاشانی، جامع السعادت ملا مهدی نراقی، معراج السعاده ملا احمد نراقی، قلب سلیم سید عبدالحسین دستغیب، درس‌های اخلاقی آیه الله مشکینی، چهل حدیث امام خمینی (ره) مبحثی را به مفهوم «شکر» اختصاص داده‌اند. همچنین کتاب‌های تفسیری نیز متناسب با آیات مربوطه مباحثی را درباره شکر سپاس‌گزاری مطرح کرده‌اند، مانند مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن از فضل بن حسن طبرسی؛ المیزان از سید محمدحسین طباطبائی؛ نمونه از ناصر مکارم شیرازی، تسنیم از عبدالله جوادی آملی و تفسیر نور از محسن قرائتی.

همچنین در این باب مقاله‌های متعددی نوشته شده است که هر یک از منظری موضوع شکر را بررسی کرده‌اند. از جمله: تبیین جایگاه شکر و قدردانی در آموزه‌های اسلامی از سالاروند. ابراهیم و بررسی تطبیقی شکر و کفران نعمت در قرآن و مثنوی و معنوی (عوامل، نتایج و مراتب)، رجبی امیر، حسین نوین، شکرالله پورالخاص و شکر در قرآن کریم. شایگان مهر، محمد و نمایش قدرت خدا و وظایف انسان در گلستان، اسداللهی خدابخش، عزیزی اعظم و تحلیل مضمون شکر در دعای عرفه امام حسین(ع)، مصطفائی، گرایلی، دهقانی؛ لکن تطبیق شکر در صحیفه و یکی از ابواب بوستان کمتر در مورد توجه قرار گرفته است که در این نوشتار به این موضوع تا حد امکان پرداخته شده است.

۱-۲. معنای لغوی شکر

از نظر لغوی برای «شکر» به معانی متعددی بیان شده است که برخی از آنها اشاره می‌شود: شکر مقلوب از «کشر» به معنی کشف است و ضد آن کفر نعمت به معنی نسیان نعمت و پوشاندن آن است. بنابر «دابه شکور» (شتر فربه) شکر عبارت است از پر شدن از ذکر منعم (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۶۵) و در جایی دیگر شکر به معنی شناخت و نیکوکاری و انتشار آن است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۴/ ۴۲۳). جرجانی در التعریفات می‌نویسد: «شکر عبارت است و از وصف نیک به منظور تعظیم و بزرگداشت» (جرجانی، ۱۴۰۸: ۱۲۸). ابن فارس در معجم مقاییس اللغة می‌نویسد: «شکر ستایش کسی است که چیزی را به تو ارزانی داشته است» (ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ۲۰۷/۳)، قرشی در قاموس قرآن (قرشی،

۱۳۶۴، ۶۲/۴) همین معنا را ترجیح داده است. شیخ طوسی در تبیان، شکر را اظهار نعمت می‌داند (طوسی، بی‌تا، ۲۴۰/۱). تعاریف اصطلاحی متعددی از شکر شده است که بیشتر آنها از نظر معنی شبیه هم است و به‌طور کلی «شکر» عبارت است از یاد آوردن و تصوّر نعمت و اظهار آن نعمت به وسیله قلب و زبان (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۶۵).

۲. مبانی نظری

۲-۱. شکر سه ساحت یا نوع دارد:

۱. شکر قلبی: شکر در قلب و جان آن است که انسان منعم و ولی نعمت خود را و فقر و ضعف و ناتوانی خود را در قلب بشناسد و از جان‌ودل شاکر نعمات الهی باشد؛

۲. شکر زبانی: آن است که انسان نعمت و منعم را بشناسد و شکرگزاری خود را به زبان آورد. در این زمینه نجوای هرکس با خدا متفاوت است، اما واژه‌هایی مانند الحمدلله و شکرالله، الهی شکر و خدا را شکر به وفور بیان می‌شود؛

۳. شکر عملی: شکر عملی به عمل است؛ یعنی انسان پس از درک نعمت و منعم درصدد شکر به‌طور خاص برآید. در این حالت شکر عملی حکم می‌کند انسان نعمت را به‌طور صحیح و در آن راهی که برای آن ارزانی شده است، استفاده کند. اینکه خداوند در برخی از آیات قرآن مانند: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ: ای خاندان داوود! سپاس به‌جای آرید، اندکی از بندگان من سپاس‌گزارند.» (سبا: ۱۳). خدا از انسان‌ها به‌گونه‌ای گلیه می‌کند و این بیانگر آن است که زیباترین جلوه شکر در شکر عملی است و از این جهت خداوند شکرگزاران واقعی را اندک می‌شمارد (امام علی‌ع، ۱۳۸۲: خطبه ۴)

درجات شکرگزاری نیز متفاوت است؛ یعنی افراد بنا به میزان درکشان از شکر به درجه‌ای از شاکر بودن می‌رسد و به همین میزان اجر و ثوابشان نزد خداوند متفاوت است. بهترین نوع شکر، شکر عملی است؛ زیرا دربردارنده شکر قلبی و زبانی هم هست حضرت علی(ع) در حدیثی می‌فرماید: «شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ: شکر هر نعمتی این است که شما با آن (نعمت) از گناه اجتناب کنید.» (امام علی‌ع، ۱۳۸۲: حکمت ۲۴۴)

حقیقت شکر تنها شکر زبانی و گفتن "الحمدلله"، "شکراً لله" و مانند آنها نیست، بلکه آن است که درست بیندیشیم که هر نعمتی برای چه هدفی به ما داده شده یا حتی برخی مواهب از ما گرفته شده است و نعمات را در مورد خودش صرف کنیم و نیز از اینجا رابطه "شکر" و "افزونی نعمت" روشن می‌شود؛ چراکه اگر انسان، نعمت‌های خدا را درست در همان هدف‌های واقعی نعمت صرف کند، ثابت می‌کند که شایسته این نعمت بوده‌اند و این شایستگی سبب فیض و لطف بیشتر الهی می‌شود و موهبت افزون‌تر می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۷۸/۱-۲۷۹).

۲-۲. اهمیت شکرگزاری در قرآن

شکر در برابر هر محبت، ارمغان عمل شایسته که از خداوند به انسان می‌رسد یک امر فطری و اخلاقی است. بسیاری از افراد که دین و آیین خاصی ندارند، در برابر لطف و محبت دیگران تشکر و قدردانی را واجب می‌بینند، چه رسد به شکر در برابر خداوند منان که نعمات بی‌شماری را به انسان بخشیده است.

۱. خداوند خود برای سپاسگزاری و شکرگزاری دستور می‌دهد:

«... وَأَشْكُرُوا لِي وَكَأ تَكْفُرُونَ: برای من شکر کنید و کفران نورزید.» (بقره: ۱۵۲)

«... وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ: و شکر خدا را به‌جای آورید اگر فقط امرا پرستش می‌کنید.» (بقره: ۱۷۲)

«... وَلِتَكْبَرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: و تا خدا را به جهت اینکه هدایتان کند بزرگ شمارید و تکبیر بگویید و

شاید شکرگزاری کنید.» (بقره: ۱۸۵)

«... وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ: از شکرگزاران باش.» (زمر: ۶۶)

«... وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ: و اما نعمت پروردگارت را یادآور و بازگو کن.» (ضحی: ۱۱)

«... كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ...: از رزق و روزی پروردگارتان بخورید و برای او سپاس‌گزاری کنید.» (سبأ: ۱۵)

«... أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ: برای من و پدر و مادرت سپاس‌گزاری کن، بازگشت همه فقط به سوی من است.»

(لقمان: ۱۴)

۲. خداوند نعمت‌ها الطاف قابل‌شمارش به انسان عطا فرموده است. و عقل و معرفت ایجاب می‌کند انسان قدرشناس باشد

و شکر ولی نعمت خود را به‌جا بیاورد.

«... وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: و در آن کشتی‌ها را می‌بینی که آب می‌شکافند و برای اینکه

از فضل و احسان خدا طلب کنید و به سپاس‌گزاری خدا برخیزید.» (نحل: ۱۴)

«... كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: این‌گونه آنها را برای شما رام و مسخر کردیم شاید سپاس‌گزاری کنید.» (حج: ۳۶)

«... وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيْتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید

تا سپاس‌گزایید.» (مائده: ۶)

«... اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: خداست که دریا را برای شما

مسخر و رام کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن روان شوند تا شما از فضل او بهره‌جوید تا سپاس‌گزاری کنید.» (جاثیه: ۱۲)

۳. شکر عامل نعمات دنیوی و اخروی و فراوانی آن‌ها

شکر باعث زیاد شدن نعمت و بازگشت آثار آن به خود انسان است.

«... وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ: و هرکه سپاس‌گزاری کند، تنها به‌سوی خود سپاس می‌گزارد

و هرکه ناسپاسی کند خدا بی‌نیاز ستوده است.» (لقمان: ۱۲)

«... لئن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...: اگر سپاس‌گزاری کنید (ظرفیت وجودی و نعمت‌هایتان را) حتماً می‌افزاییم.» (ابراهیم: ۷)

«وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَجَّزِيَ الشَّاكِرِينَ: هرکه خواستار پاداش آخرت باشد

امرا از آن می‌بخشیم و یقیناً سپاس‌گزاران را پاداش خواهیم داد.» (آل‌عمران: ۱۴۵)

«نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ: این نعمتی بود از جانب ما این‌گونه هرکس را که شکر کند پاداش می‌دهیم.» (قمر:

۳۵)

«بِالشُّكْرِ تَدْوُمُ النِّعَمِ: نعمت‌ها با شکر پایدار شوند.» (غررالحکم و دررالکلم: ۵۹)

«شَكَرُ اللَّهِ يُدْرُ النِّعَمُ: شکر خداوند نعمت‌ها را سرازیر می‌کند.» (غررالحکم و دررالکلم: ۴۰۷)

۴. آرامش

«ذِكْرُ النِّعْمَةِ إِلَى دَوَامِهَا وَالشُّكْرُ يُؤَدِّي إِلَى الزِّيَادَةِ وَالنَّقَّةِ بِاللَّهِ تَوْجِبُ الطَّمَئِنَّةَ» (غررالحکم و دررالکلم: ح ۵۵۹۶)

انسان شاکر در نعمت و محرومیت از نعمت خدا را شکر می‌کند، عیب‌جویی نمی‌کند و هرچه خداوند برای او مقدر

می‌فرماید شاکر است و همین باعث شکرگزاری می‌شود و در زندگی آرامش باطنی پیدا می‌کند.

۵. شکر مانع عذاب

خداوند در آیاتی شکر را مانع از عذاب الهی می‌داند.

«مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا: اگر سپاس‌گزار باشید، چرا خداوند شما را عذاب کند؟

خداوند شکر‌پذیر داناست.» (نساء: ۱۴۷)

۶. نجات از فتنه و بلا

شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی موجب جلب رضایت خداوند و دور شدن از بلا و فتنه‌ها و آسیب‌ها و نجات انسان از گرفتاری است. خداوند نجات آل لوط از عذاب الهی را پاداش شکرگزاری آنان دانسته است.

«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ: ما بر آنها بادی از ریگ بار فرستادیم مگر بر خاندان لوط که آنها را سحرگاه رهان‌دیم.» (قمر: ۳۴)

«الْشُّكْرُ عِصْمَةٌ مِنَ الْفِتْنَةِ: شکرگزاری مایه مصون ماندن از فتنه است.» (تحف العقول: ۲۱۵) و در برخی روایات شکرگزاری مایه مصون ماندن انسان از فتنه دانسته شده است.

۷. شکرگزاری اجتماعی

در دین اسلام در کنار شکرگزاری از پروردگار، به تشکر و قدردانی از دیگر انسان‌ها نیز سفارش شده است تا آنجا که در روایات آمده است که هر کس مخلوق را شکر نکند، خداوند عزوجل هم تشکر نکرده است. امام رضا (ع) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ». و یا «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ: هر که در قبال خوبی مردم تشکر نکند از خداوند عزوجل هم تشکر نکرده است.» (ابی جعفر الصدوق، ۱۳۶۳: ۲۵).

تشکر از والدین بسیار سفارش شده است.

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَمَيْنٍ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ: و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد و دوران شیرخوارگی او در دوسال پایان می‌یابد که برای من و برای پدر و مادرش شکر به جا آور که بازگشت همه به سوی من است» (لقمان: ۱۴).

۸. افزایش لطف و عنایت خداوند به بنده

در تفسیر نمونه در خصوص نقش شکر در افزایش لطف و عنایت خداوند به بنده چنین آمده است:

«اصولاً ما دو نوع شکر داریم: «شکر تکوینی» و «شکر تشریعی»

«شکر تکوینی آن است که یک موجود از مواهبی که در اختیار دارد؛ برای نمو و رشدش استفاده کند. فی‌المثل باغبان می‌بیند در فلان قسمت باغ درختان به‌خوبی رشد و نمو می‌کنند و هر قدر از آنها پذیرایی بیشتر می‌کند، شکوفاتر می‌شوند، همین امر سبب می‌شود که باغبان همت بیشتری به تربیت آن بخش از باغ بگمارد، اما در بخش دیگر از باغ، درختانی را می‌بیند که پژمرده شده‌اند، این وضعیت سبب می‌شود که باغبان آنها را مورد بی‌مهری قرار دهد. در جهان انسانیت نیز همین حالت وجود دارد، با این تفاوت که درخت از خود اختیاری ندارد و صرفاً تسلیم قوانین تکوینی است، اما انسان‌ها با استفاده از نیروی اراده و اختیار و تعلیم و تربیت تشریعی، می‌توانند آگاهانه در این راه گام بردارند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۰/۲۸۰).

۳-۲. موانع شکرگزاری

همان‌گونه که گفته شد، شکرگزاری از خالق و مخلوق یک امر پسندیده با آثار و نتایج بسیار سودمند و فراوان است. انسان سپاسگزار هم نزد خالق محبوب است هم نزد مخلوق؛ اما گاهی آراسته شدن به این صفت زیبا موانعی دارد که خواسته ناخواسته، دانسته نادانسته برای انسان پیش می‌آید. در ذیل به برخی از این موانع اشاره می‌شود.

۱. عدم شناخت منعم

عجز از شناخت منعم یا نقص در شناخت او می‌تواند مانع شکر باشد یا اینکه برخی افراد ممکن است راه را به خطا بروند منعم حقیقی را فراموش کنند. امام حسن عسکری (ع): «لَا يَعْرِفُ النِّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ، وَ لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ: نعمت را جز شاکر نمی‌شناسد و جز آنکه نعمت و منعم را بشناسد کسی شکرگزار نعمت نیست.»

۲. فراوانی نعمت، آسایش و رفاه

گاهی بعضی از انسان‌ها در فراوانی نعمات غرق می‌شوند و همین باعث می‌شود نعمت و منعم را فراموش کنند.

۳. خود را مبدأ نعمت دانستن

یکی از موانع شکرگزاری این است که انسان امکانات و منعم را ببیند، ولی خودش را مبدأ اینها بداند. وقتی به قارون گفته شد این نعمت‌هایی را که گرفته‌ای در راه خدا خرج کن، می‌گفت: «إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص: ۷۸)، «دانش به دست آوردن این امکانات نزد من است.»

۴. غفلت، فراموشی، گناه خصوصاً در حیطه شکر عملی

۵. عدم آگاهی از آثار و فواید شکرگزاری

انسان اگر بداند شکر یا هر موهبتی دیگر چه قدر برایش سودمند است و چه فوایدی دارد، گرایش و عمل بیشتری به آن دارد.

«... وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ... و هرکس که سپاسگزاری کند، به سود خود سپاسگزاری می‌کند.» (نمل: ۴۰)

بازگشت سود شکر به خود انسان است. شکر باعث ازدیاد ظرفیت وجودی و نعمات می‌شود.

«... لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...» (ابراهیم: ۷)

«... وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ: جزای شاکران خیلی سریع به آنان می‌رسد.» (آل عمران: ۱۴۵)

«... وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ... و اگر سپاس‌گزاری کنید آن را برای شما می‌پسندد.» (زمر: ۳۱)

حضرت علی (ع): «شکر آرایش و زینت و ثروت و صبر زینت مصیبت است.» (بحارالانوار: ۴۲۰)

اگر انسان حتی پاره‌ای از ثمرات شکر را بداند، نسبت به آن توجه بیشتری دارد.

۶. غفلت از نعمت الهی

نعمات الهی چنان آماده و در دسترس است که گاهی انسانی که غرق در نعمات است، از وجود آنها غافل می‌شود. خداوند در سوره نحل با برشمردن بیش از چهل نعمت خویش همچون آفرینش آسمان و زمین، حیوانات، خوراک و پوشاک، آب، ماه و خورشید و ستارگان، کوه‌ها، رودها و ...، در نهایت به کثرت نعمت‌هایش اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را شماره کنید، هرگز نتوانید (نحل، ۱۸).

۷. عادی شدن نعمت‌های موجود و ارزان به دست آوردن آنها

اغلب اوقات، انسان‌ها از شدت عادت به نعمات رایج الهی از وجودشان غافل‌اند و وجود آنها را بدیهی و عادی می‌شمارند و از این بابت شکرگزاری نیستند.

۸. وفور نعمت و رفاه و برخورداری

از جمله عوامل مهم دیگری که موجب غفلت انسان از نعمت‌های الهی و متعاقباً کفران نعمت می‌شود، وفور نعمت و رفاه و برخورداری آدمی است. این در صورتی است که انسان از فراوانی نعمات استفاده کند و نعمت‌دهنده را فراموش کند.

۹. حرص، طمع و زیاده‌خواهی

از عوامل مهم دیگر غفلت انسان از نعمات الهی، طمع و زیاده‌خواهی اوست. طمع موجب می‌شود تا انسان هرگز از نعمت‌هایی که خداوند نصیبش کرده، سیراب نشود و همیشه آنها را اندک بشمارد و زیاده‌خواهی کند و خود را گرفتار کفران نعمت کند. خداوند در این زمینه در آیات ۵۷ و ۶۱ سوره بقره، موضوع قوم بنی‌اسرائیل و زیاده‌خواهی و کفران نعمت و ناسپاسی آنها را مثال می‌زند.

۴-۲. مضامین دعای سی و هفتم صحیفه سجاده

دعای ۳۷ صحیفه سجاده دارای مضامین عالی توحیدی، ستایش پروردگار، عجز انسان از شکرگزاری و الطاف و نعمات بی‌شمار الهی بر انسان و نیز دیگر موجودات است. بنا به موضوع این نوشتار به برخی از پیام‌های آن اشاره می‌شود:

۱. هیچ کس نمی‌تواند از عهده شکر و سپاس الهی به درآید: «اللَّهُمَّ إِنِّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ».
۲. هیچ کس نمی‌تواند از عهده شکر الهی بر آید و آن را کامل سازد، مگر اینکه با احسان مجدد خداوند، شکر دیگری بر او لازم می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا»؛ هر شکری را شکر دیگر لازم است و به دست آوردن چنین توفیقی فقط با احسان الهی است.
۳. هیچ بنده‌ای حتی اهل بیت (ع) نمی‌تواند حق اطاعت و معرفت خداوند را به‌جا بیاورد. «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ وَمَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ» (مجلسی، ۱۴۱۱ق: ۲۱۵).
۴. عبادت ما در حد صفات و استحقاق الهی نیست. پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: «أَنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً» (سبزواری، ۱۳۷۲: ۵۷). اینکه پیامبر (ص) بر خود لازم می‌داند خداوند را در هر روز هفتاد بار استغفار نماید از این است که بیش از این نمی‌تواند طاعت بیاورد.

۶. بنده هرچند تلاش کند باز هم در عبادت و اطاعت خداوندی کوتاهی کرده است: «مُقَصِّرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ».
۷. سپاس‌گزارترین سپاس‌گزاران، شاکرترین بندگان از حقیقت شکر عاجزند: «فَأَشْكُرُ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ: شاکرترین بندگان از شکرگزارت عاجزند» (امام سجاده، ۱۳۸۲: دعای ۳۷).

۸. عابدترین بندگان در پیشگاه الهی در عبادت تقصیر، ناتوانی و کوتاهی دارند: «وَأَعْبُدُهُمْ مُقَصِّرٌ عَنْ طَاعَتِكَ».
۹. دلیل بخشایش خداوند بر بنده‌ای به دلیل استحقاق و لیاقت آن بنده نیست: «لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ»، واجب و لازم نیست بر تو کسی را ببخشی به دلیل استحقاقی که آن شخص دارد.

۱۰. غفران یا رضایت خداوند نسبت به شخصی، به دلیل وجوب رضایت الهی از او نیست: «وَلَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابَةٍ»، اگر از کسی راضی باشی به این دلیل نیست که این کار بر خداوند واجب است.

۱۱. حتی اگر کسی بتواند اسباب غفران را فراهم کند باز هم به دلیل نیرویی است که از سوی خدا متوجه او شده است: «... وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى...» (انفال: ۱۷): ای پیامبر تو پرتاب نکردی هنگامی که پرتاب کردی، بلکه خداوند پرتاب کرد. و یا «... وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ...: توفیق من فقط به دست خداست.» (هود: ۸۸).

۱۳. اگر خداوند هرکس را مورد خشنودی قرار دهد، از روی فضل و بخشندگی حضرتش است: «مَنْ رَضِيتَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ».

۱۴. خداوند شکرگزاری اندک ما را می‌پسندد و آن را سپاس می‌گوید.

۱۵. خداوند به گونه‌ای با ما برخورد می‌کند که گویا شکرگزاری بندگان از قدرت خداوند نبوده است.

۱۶. خداوند خود توفیق شکرگزاری می‌دهد، خود نیز به این عمل اجر و پاداش عنایت می‌فرماید.

۱۷. خداوند شکور است و پاداش شکرکننده را چندین برابر می‌دهد: «يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيُثْنِي عَلَى فَاعِلِهِ: خداوند کم را هم می‌پذیرد و فاعل آن را ثنا می‌گوید.» و یا «يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ: ای (خدایی) که عمل اندک بندگان را

می‌پذیری و از گناهان بسیار درمی‌گذری.» (دعای سحر ماه رمضان). و سخن اهل بهشت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» (فاطر: ۳۴).

۱۸. خداوند چنان به بندگانش اهمیت می‌دهد که گویا هر گاه شکری انجام دادند، اختیار عمل خودشان را داشته‌اند: «حَتَّىٰ كَأَنَّ شُكْرَ عِبَادِكَ الَّذِي أُوجِبَتْ عَلَيْهِ ثَوَابُهُمْ» (امام سجاده، ۱۳۸۲: دعای ۳۷).

۱۹. هزاران عامل از جانب خداوند دست‌به‌دست هم می‌دهد تا انسان توفیق انجام کاری را پیدا کند. در خطبه ۵۲ نهج‌البلاغه این موضوع آمده است:

به خدا قسم اگر به خاطر شوق حق و ترس از او دل‌ها شما آب شود و دیدگانتان خون ببارد، سپس به اندازه بقای دنیا عمر کنید، باز هم کارکردهای خوب شما هر چند از هیچ کوششی دریغ نکنید، با نعمت‌های عظیمی که به شما داده است و با هدایتی که جهت برخورداری از ایمان به شما مرحمت فرموده برابری نخواهد داشت.

۲۱. پیش از آنکه بندگان خدا را عبادت کنند، همه کارهایشان تحت سیطره قدرت خداوند بوده است: «بَلْ مَلَكَتْ - يَا إِلَهِي - أَمْرَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَتَكَ».

۲۲. پیش از آنکه بنده‌ای عبادت بکند، خداوند پاداش او را فراهم نموده است: «وَأَعَدَدْتُ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَفِيضُوا فِي طَاعَتِكَ».

۲۳. سنت الهی فضل و افضال است البته نه براساس استحقاق بندگان: «يَا مَفْضِلُ، يَا مُنْعِمُ، يَا مُجْمِلُ».

۲۵. طریق همیشگی خداوند، احسان، عفو و گذشت است:

- وجود ما عدم محض است و خداوند مواهب و معطیات بسیاری به انسان می‌دهد؛

- عمل نیک ما به اختیار خداوند صادر می‌شود و وابسته به هزاران لطف الهی است؛

- عمل ما زائیده فضل و رحمت خداست؛

- تک تک اعمال ما که مستوجب ثواب و جزای الهی است، خداوند به آن اعمال نزدیک‌تر است تا خود ما؛

- سهم خدا در اعمال خیر ما بیشتر است در تحقق آنها؛

- انسان در اعمال گناه خود با عملش نسبت کامل دارد؛

- شراکت خداوند در اعمال نیک ما از خود ما بیشتر است.

۲۷. همگان اعتراف دارند که خداوند در مورد کیفر رساندن، ظالم نیست.

امام سجاده (ع) فرمودند: «فَكُلُّ الْبَرِيَّةِ مُعْتَرِفَةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ» (دعای روز قربان و جمعه).

۲۸. مجازاتی که خداوند برای مستحقان عذاب در نظر می‌گیرد، ظلم نیست: «وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ: همانا خداوند

نسبت به بندگان ستمگر نیست.» (حج: ۱۰). و یا «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا...: خداوند (هرگز) به مردم (ذره‌ای) ظلم نمی‌کند.» (یونس: ۴۳).

- ذات الهی با عدل سازگار است با ظلم سازگار نیست.

- موجود ضعیف ظلم می‌کند، خداوند که ضعیف نیست: امام سجاده (ع) فرمودند: «إِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ».

- مجازات‌های خداوند عین نفس عمل را به انسان برمی‌گرداند.

۲۹. شیطان، انسان را از اطاعت خداوند باز می‌گرداند: «لَوْ لَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَاصٍ» (صحیفه سجاده: دعای ۳۷).

- اگر شیطان فریب‌کاری نمی‌کرد هیچ‌کس به راه عصیان نمی‌رفت.

۳۰. رفتار کریمانه خداوند با بندگان چه مطیع و چه عاصی، چقدر آشکار است!

۳۱. خداوند از بندگان مطیع شکرگزاری می‌کند و به آنان پاداش می‌دهد درحالی‌که خود حضرت آنها را اراده کرده است.
 ۳۲. خداوند عزیز به بندگان عاصی مهلت می‌دهد و عقوبتشان را به تأخیر می‌اندازد. درحالی‌که می‌تواند به‌مجرد این‌که عصیانی از آنها سر زد، گریبانشان را بگیرد و بر زمین بکوبد: «يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ بِالْعُقُوبَةِ» (امام سجاد، ۱۳۸۲: ۳۸).

۳۳. خداوند به بندگان فرمان‌بردار و نافرمان چیزهایی می‌دهد که واجب نبود به آنها عطا کند.

۳۴. خداوند در مقابل عملی کوتاه در دنیایی کوتاه، اجر ابدی عطا می‌فرماید.

۳۵. خداوند، نعمت‌هایی را که موجب آمرزش شده، مورد بازخواست قرار نمی‌دهد. سنت الهی آن نیست که نسبت به نعمات سخت‌گیرانه و منتقدانه رفتار کند. اگر خداوند می‌خواست با حسابگری رفتار کند، جزو نعمت‌ها را پیگیری و محاسبه می‌فرمود. اگر خدا می‌خواست نسبت به نعمت‌هایی که تفضل فرموده است، به‌قول معروف مو را از ماست بکشد، کمیت تمام بندگان لنگ بود.

۳۶. اگر لطف خدا نبود، بندگان به خاطر نعمت‌های الهی در پیشگاه او گروگان باقی می‌ماندند. مجموعه اعمال نیک انسان برابر با یک نعمت خداوند نیست آن‌هم در صورتی‌که پذیرفته شود، پس بقیه نعمت‌ها محبوس باقی می‌مانند. خداوند هرگز بنا ندارد در سلب نعمت‌ها عجله‌ای بفرماید. انسان‌ها در زیر پا گذاشتن اوامر و نواهی الهی عجله کردند؛ اما خداوند در عقوبت آنها هیچ عجله‌ای نکرده است و اینکه چرا خداوند در عذاب بندگان عجله نمی‌کند؟ زیرا حیاتشان بریده می‌شد و دیگر فرصتی نداشتند. خداوند با آن همه مهربانی، بندگان را برای تقرب و رحمت آفریده است نه برای عقوبت و دوزخ. برداشت اجتماعی از این دعا آن است که به دیگران فرصت بدهیم و با اولین لغزش آنها را طرد نکنیم. فرصت‌های خوب شدن دیگران را از آنان نگیریم.

۳۷. کریم‌تر از خدا نیست. با این‌همه رفتارهای کریمانه، چه قدر شقی هستند کسانی که نتوانسته‌اند بر نفسشان غلبه کنند. خدا هر لحظه و دم به دم به احسان توصیف می‌شود. خدا فقط به نیکویی و دوری از ظلم وصف می‌شود. همچنین مطمئنیم خدا ظلم نمی‌کند، خوف ما از عدالت اوست.

۵-۲. سعدی شیرازی

سعدی شیرازی یکی از شاعرانی است که در نظم و نثر، بوستان و گلستان و اشعار خود جهان‌بینی واقعی و زیبایی دارد. او با تسلط بر ادب فارسی و زبان و ذهن عامه مردم، تمام آنچه را در دل مردم است، در سخن خویش آورده است. بوستان سعدی سراسر پند و حکمت و اخلاق و آموزش است. شکر یکی از فضیلت‌هایی است که سعدی به‌طور ویژه آن را بیان می‌کند. در اینجا برخی از مضامین و پیام‌هایی که از باب هشتم بوستان (شکر بر عافیت) وجود دارد بیان می‌شود.

۶-۲. مضامین مرتبط با شکر در باب هشتم بوستان سعدی

۱. ما از شکر حضرت حق عاجزیم:

نفس می‌نیارم زد از شکر دوست (بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

۲. شکرگزاری ما شایسته حضرت خداوند نیست و شأن او اجل از شکر ماست:

نفس می‌نیارم زد از شکر دوست که شکری ندانم که در خورد اوست

(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

۳. الطاف و نعمت‌های خداوند بر انسان بی‌شمار و انسان از شکر آنها ناتوان است:

عطایی ست هر موی او بر تنم چگونه به هر موی شکری کنم؟

(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

۴. عجز انسان از حمد، توصیف و شکر خداوند:

که را قوت وصف احسان اوست؟ که اوصاف، مستغرق شأن اوست
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

۵. انسان نباید به عمل و توانایی‌های خود تکیه کند:

چو روزی به سعی آوری سوی خویش مکن تکیه بر زور و بازوی خویش
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

۶. تمام توفیق‌ها از جانب خداست:

چو آید بکوشیدن خیر پیش به توفیق حق دان نه از سعی خویش
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

تو قائم به خود نیستی یک قدم ز غیبت مدد می‌رسد دم به دم
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

۷. نعمت‌های الهی را نادیده نگرفتن:

تو گر شکر کردی با دیده‌ای و گرنه تو هم چشم پوشیده‌ای
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۲)

۸. با شکر و سپاسگزاری نعمت‌ها پایدار می‌شوند:

خردمند طبعان منت شناس بدوزند نعمت به میخ سپاس
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۳)

۹. ناسپاسان در روز جزا، دست خالی هستند:

مکن گردن از شکر منعم مپیچ که روز پسین سر برآری به هیچ
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۳)

۱۰. از نعمت‌های الهی خوب و به‌جا استفاده کنیم (شکر عملی):

زبان آمد از بهر شکر و سپاس به غیبت نگرداندش حق شناس
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۳)

گذرگاه قرآن و پند است گوش به بهتان و باطل شنیدن مکوش
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۳)

دو چشم از پی صنع باری نکوست ز عیب برادر فروگیر و دوست
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

۱۱. نعمت‌های بسیار در ابیات ۳۳۷۵ تا ۳۳۹۰ شمرده می‌شود. سعدی در اثنای آنها سخن می‌گوید:

به جان گفت باید نفس بر نفس که شکرش نه کار زبان است و بس
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

خدایا دلم خون شد و دیده ریش که می‌بینم انعامت از گفت بیش
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

نگویم دد دام و مور و سمک که فوج ملانک بر اوج فلک
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

هنوزت سپاس اندکی گفته‌اند ز بیور هزاران یکی گفته‌اند
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

برو سعدیا دست و دفتر بشوی به راهی که پایان ندارد میوی
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

۱۲. بخشایش بر ناتوان و شکر نعمت حق در توانایی:

نداند کسی قدر روز خوشی مگر روزی افتد به سختی کشی
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

زمستان درویش در تنگ سال چه سهل است پیش خداوند مال
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

۱۳. انسان را به بلایی گرفتار نیاید نمی‌تواند شکر آسودگی و سلامتی را به جا آورد:

سلیمی که یک چند نالان نخفت خداوند را شکر صحت نگفت
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

۱۴. به شکرانه سلامتی و قدرت، با دیگران خوش رفتاری کن:

چو مردانه رو باشی و تیز پا به شکرانه با کندپایان بپای
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

۱۵. چون به بلایی گرفتار نیستی، شکر بجای آور:

برو شکر یزدان کن ای تنگ‌دست که دستت عسس تنگ بر هم نیست
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

مکن ناله بر بی‌نوایی بسی چو بینی ز خود بی‌نوا تر کسی
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۵)

بجای آور ای خام شکر خدای که چون ما نه ای خام بر دست‌وپای
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۶)

۱۶. شکر بر دوری از خشم و پرهیز از بداندیشی:

به شکرانه گفتا بسر بیستم که آنم که پنداشتی نیستم
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۶)

۱۷. شکر بر انسان بودن:

برو شکر کن چون به خر بر نه ای که آخر بنی آدمی، خر نه ای
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۶)

۱۸. تکبر باعث محرومی از نعمت است:

تکبر مکن چون به نعمت دری که محرومی آید ز مستکبری
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۶)

۱۹. شکر بر مسلمان بودن:

ببند ای مسلمان بشکرانه دست که ز نثار مغ بر میانست
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۶)

۲۰. هر نعمتی که به انسان می‌رسد از لطف خداست، نه شایستگی عمل بنده:

نه خود می‌رود هر که جویان اوست به عنفش کشان می‌برد لطف دوست
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۶)

توانایی تن مدان از خودش که لطف حقت می‌دهد پرورش
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

۲۱. عجز انسان از شکرگزاری هرچند جسمی و جانی بر خود سخت گیرد:

به حقش که گردیده بر تیغ و کارد نهی، حق شکرش نخواهی گزارد
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

۲۲. توفیق خیر فقط از جانب خداست:

نخست او ارادت به دل بر نهاد پس این بنده بر آستان سر نهاد
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

گر از حق نه توفیق خیری رسد کی از بنده چیزی به غیری رسد؟
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

زبان را چه بینی که اقرار داد بین تا زبان را که گفتار داد؟
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

در معرفت دیده آدمی است که بگشوده بر آسمان و زمی است
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

کیات فهم بودی نشیب و فراز گر این بر نکردی به روی تو باز؟
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

چه اندیشی از خود که فعلم نکوست؟ از این در نگه کن که توفیق اوست
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۷)

۲۳. هر شکر باعث ازدیاد نعمت می‌شود و بر هر شکری شکری دیگر واجب است:

منت خدای عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزیت نعمت، هر نفسی که فرو می‌رود مُمدّ حیات است و چون برآید مفرّج ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب. (گلستان سعدی، ۱۳۶۸: ۴۹)

۲۴. عجز انسان در شکر:

از دست و زبان که بر آید کز عهده شکرش به در آید؟
(گلستان سعدی، ۱۳۶۸: ۴۹)

سعدی انسان‌ها را در هر صورت و همه حال از شکر نعمت‌ها خدا عاجز و قاصر می‌داند؛ زیرا همین شکر او نیازمند شکر دیگری است. چنانچه امام سجاد (ع) در مناجات پانزده‌گانه می‌فرماید: «شکری دارد و هر زمان که می‌گویم «لک الحمد» بر من لازم است که به خاطر همین توفیق شکرگزاری بگویم «لک الحمد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۱۰/ ۲۸).
۲۵. خداوند می‌داند عده کمی از بندگان شکورند: «اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (سبأ: ۱۳) (سعدی، ۱۳۶۸: ۲۳).

۲۶. بندگان توان شکرگزاری کامل ندارند:

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد
ور نه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که بجای آورد
(سعدی، ۱۳۶۸: ۴۹)

۲۷. فضل و کرم الهی فراتر از شکر بندگان است:

هر که در بند تو شد بسته جاوید بماند پای رفتن به حقیقت نبود بندی را
بندگان شکر خداوند بگویند و لیک چه توان گفت کرم‌های خداوندی را
(سعدی، ۱۳۸۱: ۸۴۷)

۲۸. نه فضل خدا قابل شمارش است نه انسان می‌تواند حتی شکر یکی از نعمت‌ها را به جا آورد:
فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آن‌که شکر یکی از هزار کرد؟
(سعدی، ۱۳۸۱: ۷۳۹)

۲۹. انسان قادر به شکرگزاری همه نعمات خداوند نیست:

شکر و سپاس و منت و عزت خدای را پروردگار خلق و خداوند کبریا
دادار غیب دان نگهدار آسمان رزاق بنده‌پرور و خلاق رهنما
اقرار می‌کند دو جهان بر یگانگیش یکتا و پشت عالمیان برش دو تا
گوهر ز سنگ خاره کند لؤلؤ از صدف فرزند آدم از گل و برگ از گیا
(سعدی، ۱۳۸۱: ۷۲۸)

۳۰. انسان و تمام فرشتگان از حمد و ثنا و شکر خدا عاجزند:

ما نتوانیم حق حمد تو گفتن با همه کر و بیان عالم بالا
(سعدی، ۱۳۸۱: ۳۹۷)

۳۱. هزاران سال برای حتی یک شکر کم است:

سپاس بار خدایی که شکر نعمت او هزار سال کم از حق او بود یک دم
(سعدی، ۱۳۸۱: ۷۶۳)

۳۲. ناسپاسی برابر است با خسران و افسوس خوردن:

هر که نداند سپاس نعمت امروز حیف خورد بر نصیب رحمت فردا
(سعدی، ۱۳۸۱: ۳۹۷)

۳۳. عجز از شکر:

نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
(سعدی، ۱۳۸۱: ۷۴۸)

۳۴. شکر بر آنکه انسان اهل معصیت نباشد:

«پارسایی را دیدم بر کنار دریا که زخم پلنگ را داشت و به هیچ دارو به نمی شد. [مدت‌ها] در آن رنجور بود و شکر خدای، عزوجل، علی الدوام گفتی، پرسیدنش که شکر چه می‌گویی؟» گفت: «آن به که به مصیبتی گرفتارم، نه به معصیتی.» (سعدی، ۱۳۸۹: ۲۹).

موارد مشابه در اندیشه‌های حضرت سجاد (ع) و سعدی

۱. عجز و ناتوانی انسان از شکر؛
۲. وجوب شکر بر شکر دیگر؛
۳. هر شکر یک نعمت است؛
۴. یادآوری نعمت‌ها؛ زیرا نعمت شکر را به یاد انسان می‌آورد؛
۵. توفیق شکر فقط از جانب خداوند است؛
۶. شکرگزاری بندگان در شأن خداوند نیست؛
۷. تمام اسباب و علل و توفیقات کار نیک و از جمله شکر، از جانب خداوند است؛
۸. با شکر نعمت‌ها، نعمات افزون و پایدار می‌گردد؛
۹. عادت همیشگی خداوند احسان است و الطاف و نعمت‌های الهی قابل شمارش نیست؛
۱۰. آدمی از فضل و کرم خداوندی شرمسار می‌شود؛
۱۱. انسان نباید به عمل خود تکیه کند؛
۱۲. فضل خداوندی بی‌شمار است؛
۱۳. انسان نمی‌تواند حتی شکر یکی از نعمات را بجا آورد؛
۱۴. عجز فرشتگان از حمد و ثنا و شکر الهی.

نگاه سجاد (ع) به مقوله شکر

۱. دلیل بخشایش خداوند بر بندگان، عادت و لطف و کرم خودش است نه استحقاق و لیاقت بندگان؛
۲. غفران یا رضایت الهی بر بندگان به این دلیل نیست که بر آن حضرت واجب باشد چنین رضایتی داشته باشد؛
۳. تمام اسباب و علل غفران را هم خداوند پدید می‌آورد؛

۴. خداوند شکر و سپاسگزاری اندک ما را هم می‌پذیرد؛
 ۵. پیش از آن‌که بنده‌ای عبادت کند، خداوند پاداش او را فراهم کرده است؛
 ۶. هر عمل نیک ما به اراده خداوند صادر می‌گردد؛
 ۷. تمام رفتار خداوند عین فضل و رحمت است و اگر کسی را عقوب کند عین عدل است؛
 ۸. همگی مقرر و معترف‌اند که خداوند ظالم نیست؛
 ۹. موضوع شیطان، وسوسه‌ها و برنامه‌ریزی‌های او و برخی راه‌های مقابله با او در دعای حضرت دیده می‌شود؛
 ۱۰. رفتار کریمانه خداوند با بندگان چه مطیع چه عاصی به وضوح دیده می‌شود؛
 ۱۱. خداوند در مقابل عملی کوتاه اجر بی‌پایان عنایت می‌فرماید؛
 ۱۲. سنت الهی آن نیست که نسبت به نعمات سخت‌گیرانه و حسابگرانه برخورد کند؛
 ۱۳. مجموعه اعمال نیک بندگان برابر با یک نعمت الهی نیست؛
 ۱۴. خداوند در سلب نعمت از بندگان عجله‌ای ندارد؛
 ۱۵. هیچ کس کریم‌تر از خداوند نیست؛
 ۱۶. صلوات بر پیامبر و آل او دریچه‌ای برای رحمت الهی و استجاب دعاست؛
 ۱۷. نگاه حضرت عمیق، معرفتی، آموزشی همراه با تنبّه و امیدواری است؛ چون سخن حضرت به منبع فیض الهی متصل است بسیاری از موارد توحید و خداشناسی در همین دعا وجود دارد؛
 ۱۸. این دعا در بردارنده مضامین توحیدی بسیار زیادی است؛
 ۱۹. پاداش‌بخشی، لطف، احسان، رضایت خالق از مخلوق، عفو، عدالت، ظلم نکردن، کرم، مهلت دادن به عاصی، عجله نکردن در عقوبت، امیدبخشی، فیض دائم و کرامت صفاتی از باری تعالی هستند که در این دعای شریف جلوه بیشتری دارند.
- ۲-۷. نگاه سعدی به مسئله شکر
- سعدی نگاه ویژه‌ای بر شکر دارد و از میان صدها ویژگی ممتاز که باعث آراستگی روح و رفتار افراد می‌شود، یکی از باب‌های کتاب بوستان را به این فضیلت اختصاص می‌دهد که در اینجا به چند مورد از نگاه خاص سعدی به شکر اشاره می‌شود:
۱. ناسپاسان در روز جزا دست خالی‌اند؛
 ۲. تأکید بر شکر عملی؛
 ۳. بخشایش بر ناتوان و شکر بر توانایی؛
 ۴. هرگاه انسان به بلایی گرفتار شود، بیشتر شکرگزار می‌شود؛
 ۵. شکر بر برخی نعمت‌ها مانند انسان بودن، مسلمان بودن، سلامتی و آسودگی؛
 ۶. شکر برای نعمت‌های محسوس:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
(گلستان سعدی، ۱۳۶۸: ۴۹)

سپهر از برای تو فراش وار همی گستراند بساط بهار
(کلیات سعدی، ۱۳۸۱: ۳۵۴)

کنار و بر مادر دلپذیر بهشت است پستان او جوی شیر
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۲)

ز خاک آورد رنگ و بوی طعام تماشاگاه دیده و مغز و کام
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

شکر برای اغتنام فرصت و نعمت:

چو روزی به سعی آوری سوی خویش مکن تکیه بر زور بازوی خویش
(بوستان سعدی، ۱۳۶۸: ۱۷۱)

در نهایت اینکه پرداختن به مسایل اخلاقی در همه فرهنگ‌ها وجود داشته و دارد، ولی به اشکال و شیوه‌های مختلف. نوع مسائل اخلاقی در شعر سعدی به این برمی‌گردد که در ایران به دلیل ورود اسلام، تعلیمات اخلاقی اسلامی با آثار پیش از اسلام درآمیخت. کتاب‌های اخلاقی در زبان فارسی از سه آبخخور اندیشه ایران باستان، سنت یونان باستان و سنت‌های اسلامی نشأت گرفته‌اند. این آثار از اخلاق نیکوماخوس ارسطو و اندیشه‌های تربیتی ایران باستان سرچشمه می‌گرفتند و از اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی و کیمیای سعادت امام محمد غزالی تا اخلاق جلالی ملاجلال الدین دوانی کازرونی و اخلاق محسنی واعظ کاشفی را شامل می‌شوند (ر.ک. خراسانی).

۳. نتیجه‌گیری

در قرآن کریم از شکر و مشتقات آن در ۷۵ آیه یاد شده که بیانگر اهمیت این موضوع است. امام سجاد (ع) و سعدی شیرازی در مبحث شکر از آیات قرآنی استفاده کرده‌اند و می‌توان گفت سرچشمه و آبخخور هر دوی آنها همین آیات است. صحیفه کامل سجادیه نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگ‌ترین مناجات‌نامه‌های عرفانی به شمار می‌آید. گلستان اثر پرآوازه شاعر و نویسنده ایرانی، سعدی شیرازی، بی‌گمان یکی از آثار گران‌قدر فرهنگ ایران در دوره اسلامی است. از این پژوهش چنین برمی‌آید که نظر امام سجاد (ع) و سعدی درباره شکر برگرفته از نگاهی توحیدی و خداشناسی محض است. عجز از ناتوانی در شکر مهم‌ترین خصوصیتی است که در هر دو دیدگاه وجود دارد. دیگر ویژگی، پیامدها و آثار سودمند شکر است که از دیدگاه روان‌شناسی نیز حائز اهمیت است. در مواردی هم در نوع بیان و زبان و عمق اندیشه‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد: از جمله اینکه نگاه حضرت سجاد (ع) ظرافت، دقت و عمق بیشتری دارد. نگاهی توحیدی و عرفانی خالص و نوعی آموزش بندگی در این دعا به چشم می‌خورد. زبان آن حضرت از ویژگی‌های هنری و بلاغی نیز بهره‌مند است.

اندیشه‌های سعدی نیز برگرفته از آموزه‌های اسلامی است و مغایرتی با دیدگاه امام سجاد (ع) ندارد، ولی به برخی نکات عمیق مانند پاداش به سپاسگزاران و نیکوکاران، پذیرش اندک عبادت بندگان، آمرزش بندگان از روی لطف نه از آن‌جهت که ایشان مستحق‌اند، برخی صفات الهی مانند عفو، افضال، احسان، فرصت دادن به بندگان خصوصاً گنه‌کاران، پاداش جاودان دادن به یک عمل کوتاه و دنیوی کمتر توجه کرده است. دلیل این امر می‌تواند آبخشور دیگری باشد که سعدی از آن بهره‌مند شده است و آن هم سنت اخلاقی ایرانی و نیز یونانی طرح شده در کتاب‌های اخلاق اسلامی است که بعدتر در تاریخ ادبیات و اندیشه ایرانی به وجود آمدند. این آثار از اخلاق نیکوماخوس ارسطو و اندیشه‌های تربیتی ایران باستان سرچشمه می‌گرفتند و از اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی و کیمیای سعادت امام محمد غزالی تا اخلاق جلالی ملاجلال الدین دوانی کازرونی و اخلاق محسنی واعظ کاشفی را شامل می‌شوند. همچنین زبان سعدی آراسته به انواع آرایه‌های ادبی و ترفندهای زبانی خاص خود است، از این رو برای فارسی‌زبانان گیرایی و دل‌نشینی ویژه‌ای دارد. سعدی موضوع شکر را در کلیات و ابیات متعدد در باب هشتم بوستان بیان می‌کند و همین تنوع موضوع حکایات سخن او را برای خوانندگان پرجاذبه می‌سازد.

منابع

- ابن فارس، احمد (۱۴۱۱ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دارالجلیل.
- ابن منظور، جمال‌الدین (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
- اسداله‌ی، خدابخش؛ اعظم عزیزی (۱۳۹۷). نمایش قدرت خدا و وظایف انسان در گلستان. مطالعات شهریاری پژوهی. ۴ (۱۶)، ۳۲-۵۴.
- امام سجاد (۱۳۸۲). صحیفه سجادیه. ترجمه محمد مهدی اشتهاوردی. بوشهر: موعود اسلام.
- امام علی (ع) (۱۳۸۲). نهج‌البلاغه. ترجمه اسدالله مبشری. تهران: فرهنگ اسلامی.
- انصاریان، حسین (۱۳۷۳). دیار عاشقان. تهران: پیام آزادی.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۴۰۸ق). التعریفات. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حرّانی، شیخ ابومحمد (۱۳۸۸). تحف العقول. قم: آل علی.
- خراسانی، محبوبه (۱۳۸۷). اخلاق‌نامه‌نویسی در ایران و جایگاه اخلاق جلالی. پژوهش‌های ادبی. ۵ (۲۰)، ۹-۲۴.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۰). صحیفه نور. تهران: سازمان مدارک فرهنگی.
- دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۱۷). فرهنگ اصطلاحات عرفانی. تهران: پژوهش فروزان.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۰). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۷۵ق). مفردات الفاظ القرآن (المفردات فی غریب القرآن). تحقیق صفوان عدنان داوودی. بیروت: دارالقلم - دمشق: الدار الشامیه.
- رجبی، امیر؛ نوین، حسین؛ پورالخاص، شکرالله (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی شکر و کفران نعمت در قرآن و مثنوی معنوی (عوامل، نتایج و مراتب). نشریه تأملات اخلاقی. ۳ (۹)، ۷۴-۹۶.
- سالاروند، ابراهیم (۱۳۹۶). تبیین جایگاه شکر و قدردانی در آموزه‌های اسلامی. نشریه معرفت. ۲۶ (۲۴۱)، ۴۷-۶۰.
- سبزواری، محمد بن محمد (۱۳۷۲). جامع‌الانخبار. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۸). بوستان سعدی. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۸). گلستان سعدی. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: خوارزمی.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۱). کلیات سعدی. به همت محمدعلی فروغی. تهران: نشر زوار.

- شایگان مهر، محمد (۱۳۸۵). شکر در قرآن کریم. نشریه فقه و تاریخ تمدن. ۳ (۷ و ۸)، ۱۴۶-۱۱۹.
- صدوق، ابوجعفر (۱۳۶۳). عیون اخبار الرضا (ع). قم: کتابفروشی طوس.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قرآن کریم.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس (۱۳۹۳). مفاتیح الجنان. قم: کتاب آشنا.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۱ق.). بحار الانوار فی تفسیر المأثور للقرآن. استخراج و تنظیم کاظم مرادخانی. تهران: طور.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق.). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
- مصطفایی، محمد؛ گرایلی، بتول؛ دهقانی، فرزاد (۱۴۰۲). تحلیل مضمون شکر در دعای عرفه امام حسین (ع). مطالعات فهم حدیث. ۱۰ (۱۹)، ۲۰۸-۱۸۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۶۹). مثنوی معنوی. تصحیح نیکلسون. تهران: مولی.

References

- Ansarian, H. (1994). *The Land of Lovers*. Tehran: Payam al-Azadi.
- Asadollahi, Kh. & Azizi, A. (2018). The demonstration of God's power and human duties in Golestan. *Shahriar Pajoochi Studies*. 4 (16), 32-54.
- Daneshpajouh, M. (1938). *Dictionary of Mystical Terms*. Tehran: Foruzan Research.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: University of Tehran.
- Harrani, A. M. (1968). *Tuhf al-Uqol*. Qom: Al -e- Ali.
- Ibn Faris, A. (1990). *Mu'jam Maq'ays al-Lughah*. Beirut: Dar al-Jalil.
- Ibn Manzoor, J. (1984). *Lisan al-Arab*. Qom: Nashr Adab al-Haweh.
- Imam Sajjad (2003). *Sahifeh al-Sajjadiyah*. Mohammad Mahdi Eshtehardi (Trans.). Bushehr: Mou'ud al-Islam.
- Jorjani, A. ibn M. (1987). *Al-Ta'rifat*. Beirut: Dar al-Kutb al-Ilmiyah.
- Khorasani, M. (2008). Ethics writing in Iran and the position of Jalali ethics. *Literary Studies*. 5 (20), 9-24.
- Khomeini, R. (2001). *Sahifeh Noor*. Tehran: Cultural Records Organization.
- Majlisi, M. B. (1983). *Behar Al-Anwar*. Beirut: Al-Wafa Institute.
- Majlisi, M. B. (1990). *Bihar Al-Anwar Fi Tafsir Al-Mathur Al-Qoran*. Kazem Moradkhani (Corr.). Tehran: Tur.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir al-Nemoneh*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyeh.
- Mobasshari, A. (2003). *Nahj ol-Balaghah*. Tehran: Farhang al-Islami.
- Molavi, J. Al-Din M. (1990). *Masnavi Ma'navi*. Nicholson (Ed.). Tehran: Molavi.
- Mustafai, M.; Gharaili, B. & Dehghani, F. (2023). Analysis of the content of thanksgiving in the prayer of Arafah of Imam Hussein (AS). *Studies in Understanding Hadith*. 10 (19), 185-208.
- Raghib Esfahani, A. H. bin M. (1936). *Mufradat Alfaz Al-Quran (Al-Mufradat Fi Gharib Al-Qoran)*. Safwan Adnan Davoudi (Res.). Beirut: Dar al-Qalam - Damascus: Al-Dar al-Shamiyah.
- Rajabi, A.; Novin, H. & Pour-al-Khas, Sh. (2022). A comparative study of gratitude and ingratitude in the Quran and the Masnavi Ma'navi (factors, results and levels). *Journal of Tamolat Akhlaghi*. 3 (9), 74-96.
- Qomi, A. (2014). *Mafatih al-Jinan*. Qom: Ketab Ashena, third edition.
- Qureyshi, S. A.A. (1992). *Qamoos al-Qoran*. Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya.
- Sa'adi, M. al-Din A. (1968). *Bustan of Sa'adi*. Gholamhossein Yusuf (Corr. & Expl.). Tehran: Kharazmi.
- Sa'adi, M. al-Din A. (1989). *Golestan of Sa'adi*. Gholam Hossein Yousefi (Ed.). Tehran: Kharazmi.
- Sa'adi, M. al-Din A. (2002). *The Complete Collection of Saadi*. Mohammad Ali Foroughi (Assi.). Tehran: Zavar Publishing House.
- Sabzevari, M. ibn M. (1993). *Jame' al-Akhbar*. Qom: Aal al-Bayt (AS) Institute.
- Sadouq, A. J. (1984). *Oyoun Akhbar al-Reza (AS)*. Qom: Toos Bookstore.
- Salarvand, E. (2017). Explanation of the position of gratitude and appreciation in islamic teachings. *Journal of Knowledge*. 26 (241), 47-60.

- Shaygan Mehr, M. (2006). Thanksgiving in the Holy Qoran. *Jurisprudence and History of Civilization*. 3 (7 and 8), 119-146.
The Holy Quran
- Tusi, M. bin H. (1970). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qoran*. Beirut: Dar Ihya'a Al-Tharat al-Arabi.